



قهرمانی سپاهان و حواشی همیشگی

قهرمانی سپاهان در سوپر جام مثل همیشه داستانی بود پر از صحنه‌های دراماتیک، نفسگیر و البته حواشی رنگارنگ که انگار بخشی جدانشدنی از تقابل‌های این تیم با پرسپولیس است. شنبی که اراک میزبان نبرد ۲ غول فوتبال ایران بود، قهرمانی سپاهان درخشش طلایی‌اش را زیر نورافکن‌های سوپر جام نشان داد اما پایانی داشت که بیشتر از هر چیز، گرد و غبار حادثش به چشم آمد. ماجرا از جایی شروع شد که بعد از به صدا در آمدن سوت پایان بازی، پای یک جیمی جامپ به زمین باز شد؛ جیمی جامپ‌هایی که همیشه، همزمان با شغف و اشتک هواداران، خودشان را به داستان‌های بزرگ می‌چسباند. این بار، کاوه رضایی و میرزازاده از سپاهانی‌ها، خودشان را به ماجرا رساندند، انگار بخواهند نقشی قهرمانانه در این اپیزود ایفا کنند. سرپرست سپاهان، احسان بعدی، در توصیف این ماجرا گفت: «ما دقیقاً ندیدیم چه شد. یک جیمی جامپ وارد شد و بازیکنان احساس مسؤولیت کردند. بقیه‌اش را باید از تصاویر و روایت‌ها پیدا کرد.» اعتراضات بازیکنان پرسپولیس هم بخش دیگری از این صحنه‌ها بود. باز هم بحث وقت‌کنشی و اینکه چرا بعضی بازیکنان سپاهان، وقت بازی را می‌کشند. اما بعدی، دفاعی‌های جدی برای تیمش داشت: «شما اگر فیلم بازی را نگاه کنید می‌فهمید بازیکنی در سطح انزوئی، اصلاً نیازی به این رفتارها ندارد. سپاهانی‌ها چنین کارهایی نمی‌کنند. این بازی تحت نظر VAR بود، حتی در نیمه دوم، ۷ دقیقه وقت اضافه هم اعلام شد. همه چیز کاملاً قانونی بود.»

این وسط، شلوغی گیت‌های هواداران و شکستن آنها هم، خودی حکایتی جاگانه داشت. بعدی این مورد را با احتیاط و دیپلماتیک پاسخ داد: «این مساله باید بررسی شود. اگر موضوعی وجود داشته باشد، اعلام خواهد کرد. ما هم پاسخگو خواهیم بود.»

اما شاید جذاب‌ترین قسمت حرف‌های سرپرست سپاهان، اشاره به ذات همیشه پرحادثه این بازی بود. بعدی گفت: «صاف‌های سپاهان - پرسپولیس در ربع قرن گذشته، همیشه پر از حادثه بوده‌اند اما این بار، خوشبختانه سوپر جام بدون مشکل بزرگ برگزار شد. باید از شهر اراک و میزبانی عالی‌اش تشکر کنیم. این قهرمانی را به مردم اصفهان تقدیم می‌کنیم. شب زیبایی برای هواداران ما بود.»

در نهایت، حرف و حدیث درباره سپاهان و هزینه‌های بالای این تیم هم پای ثابت این گفت‌وگو بود. وقتی از بعدی پرسیدند آیا این تیم برای قهرمانی در لیگ برتر تحت فشار است، پاسخ داد: «این قضاوت درست نیست. ارقام و اعداد مشخص است. بازیکنی که گفته می‌شود ۳ میلیون دلار برای ۲ سال و نیم قرارداد بسته، گران قیمت است اما قهرمانی، فقط با پول به دست نمی‌آید.»

شاید همین جمله بعدی، خلاصه‌ای باشد از ذات فوتبال؛ از کبیبی از پول، تاکتیک، شانس و البته حادثه. سپاهان قهرمان شد اما جیمی جامپ، اعتراض‌ها و گیت‌های شکسته، نشان داد قهرمانی، همیشه پایان ماجرا نیست، بلکه شاید آغاز داستانی جدید باشد!

نکته

خشت‌های کج پپ در شهر مرز

منچستر

بابک سرانی آزاد: حالا در منچستر، شهری که آسمانش بیشتر وقت‌ها خاکستری است، گوار دیولا با چالش‌هایی روبه‌رو شده که نه در میدان سیز که در میدان زندگی شخصی رخ داده‌اند.

آن روزها، وقتی در بارسلونا به اوج رسیده بود، روزنامه‌نگار کاتالان، خوسه گارسیا، نوشت: «پپ! حواست باشد، این ابرو را یک‌شنبه به دست نیآورده‌ای!» و حالا سال‌ها بعد، نام او سوزه‌ای برای روزنامه‌های زرد و یادگست‌های پرس‌رومضای برتانیای شده است.

رسانه‌های اسپانیا خبر دادند تمدید قرارداد گوار دیولا با منچستر سیتی، شکاف‌هایی عمیق در زندگی زناشویی‌اش ایجاد کرده است. کریستینا سرا، همسر ۵۲ ساله او، تصمیم گرفت در بارسلونا بماند و بوتیک خانوادگی‌اش را مدیریت کند. پپ اما ترجیح داد در منچستر بماند شهری که زندگی‌اش را بیشتر به فوتبال گره زده است تا خانواده. یادگست معروف «امارازیز» جدایی آنها را به همین تصمیم پپ ربط داده است. یکی از میزبانان برنامه گفت: «کریستینا دیگر نمی‌توانست لولوبت اول پپ را تحمل کند. برای او، فوتبال همیشه مقدم بوده و این چیزی بود که کریستینا نمی‌توانست بیشتر از این بپذیرد.»

اما زندگی شخصی گوار دیولا تنها به همین موضوع محدود نمی‌شود. برخی گزارش‌ها از شکایتی در بندر بارسلونا خبر می‌دهند؛ جایی که پپ به رفتارهای غیراخلاقی و ارتباط پنهان با یک زن کاتالان متهم شده است. این اتهام هنوز در حد شایعه است اما زخم دیگری بر زندگی پرحاشیه اوست.

دوستان نزدیک گوار دیولا اما امیدوارند این جدایی دائم نباشد. آنها می‌گویند: «شاید وقتی پپ بازنشسته شود و به بارسلونا بازگردد، همه چیز تغییر کند. شاید این زوج دوباره راهی به سوی یکدیگر پیدا کنند.» پپ اما در زمین بازی هم آرام نیست، او در جریان بازی با برنتفورد، با خشم از عملکرد دروازه‌بان‌ش، استفان اورنگل، انتقاد کرد؛ لفظی‌ای که نشانه‌ای از فشارها و استرس‌های اوست. مربی‌ای که همچنان با حلقه ازدواجش روی نیمکت می‌نشیند، انگار به دنبال چیزی است که فراتر از پیروزی در فوتبال باشد. دخترش، ماریا، در مصاحبه‌ای با مجله «وینیتی فر» گفت: «پدر و مادرم همیشه می‌گفتند باید دنبال چیزی بروی که عاشقی هستی اما عشق تنها با خواستن زنده نمی‌ماند؛ باید بشنوی، حتی وقتی سخت است.» شاید همین نشنیدن‌ها بود که فاصله میان پپ و کریستینا را عمیق‌تر کرد.

منچستر، با باران‌های بی‌پایانش، همچنان خانه حرفه‌ای گوار دیولاست. او با قرارداد تازه‌اش تا سال ۲۰۲۷ در این شهر خواهد ماند اما می‌تواند دوباره میان فوتبال و زندگی تعادل برقرار کند؛ این سؤال را فقط زمان پاسخ خواهد داد. پپ گوار دیولا، معمار فوتبال، حالا در بازی زندگی، شاید بیش از همیشه به تاکتیک جدید نیاز داشته باشد.

بهراد رشوند: باز هم همان قصه قدیمی، باز هم پرسپولیس

و همان کابوس زود هنگام. خواب‌زدگی در دقایق ابتدایی، ضربهای ساده از یک شروع مجدد و یک جام دیگر که از دست رفت. سپاهان اصفهان، زیر چتر باتریس کارترون، در اراک جامی را به دست آورد که مدافعان پرسپولیس با دستان خود تقدیمش کردند.

گل دقیقه ۳: ضربهای که همه چیز را عوض کرد

آغاز بازی سوپر جام میان سپاهان و پرسپولیس هنوز به خط گرم شدن نرسیده بود که استیون انزوئی، همان فرانسوی قدبلند، سر به آسمان سپرد و یک ضربه سر کافی بود تا زمین و زمان را برای سرخ‌ها خراب کند. همه چیز از پرتاب اول بلند آریا یوسفی شروع شد. تپز آمد، مدافعان پرسپولیس نظاره‌گر بودند و انزوئی هم با پروازی

شد ولی پرسپولیس که همین چند وقت پیش، ۱۰ نفره در اصفهان مغلوب سپاهان شده بود در سوپر جام فوتبال ایران این بار بدون بار کمتر، مجدداً از این تیم شکست خورد تا اوضاعش خراب‌تر از قبل شود و لبه تیز انتقادات، مدیریت این باشگاه را نشانه بگیرد.

سپاهانی‌ها که قبلاً ۳ بازی توسط انزوئی بلندیلا و روی ضعف سنتی مدافعان میانی قرمزپوشان در فصل جاری، به گل رسیدند، پس از آن بویژه در نیمه دوم به اداره بازی رو آوردند تا کارترون فرانسوی نخستین جامش در فوتبال ایران را به فاصله یک ماه و نیم پس از حضورش با سپاهان فتح کند.

پرسپولیس هم نتوانست از حملات خود به دلیل هوشیاری و تمرکز خط دفاع و سنگریان زدپوشان طرفی ببیند که البته عدم تمرکز مهاجمی چون آل کثیر نیز مزید بر علت بود. اینک هواداران آن تیم بدون توجه به ضعف‌های درون زمین، رضا درویش (مدیرعامل باشگاه) را مقصر اصلی می‌دانند و حتی خواهان اخراج او هستند. گاربدو (سرمربی سابق قرمزپوشان) پس از برکناری، در لیبی مشغول کار

چگونه پرسپولیس با عدم تمرکز جام را به سپاهان واگذار کرد

تلخ تکراری

آرام و ضربهای دقیق، دروازه الکسی گندوز را باز کرد. شاید می‌شد این گل را ندید، اگر این سناریو بارها و بارها تکرار نشده بود ولی برای هواداران پرسپولیس، دیگر این صحنه شبیه یک فیلم تکراری بی‌کیفیت است که سال‌هاست از دیدنش خسته شده‌اند.

تمرکز صفر، جام صفر

پرسپولیس امسال استاد خراب کردن ابتدای بازی‌ها بوده است. از هر طرف که نگاه کنی، این تیم در ۱۵ دقیقه ابتدایی، روی آب قدم می‌زند. ۱۸ گل خورده‌اند و ۵ تا از آنها در همین دقایق اول به تور دروازه‌شان چسبیده، فرقی نمی‌کند، ذوب‌آهن باشد یا الاهلی؛ پرسپولیس به محض شروع بازی، انگار هنوز در رختکن است. نتیجه‌اش؟ جامی که دقیقه ۳ از دستان‌شان ربوده شد.

ضربات شروع مجدد؛ زخم همیشگی
سرخ‌ها از روزی که خوان کارلوس گاریدو رفت، انگار یک بیماری مزمن به جان دفاع‌شان افتاده. بیش از نیمی از گل‌هایی که این فصل خورده‌اند، از روی ضربات شروع مجدد بوده است؛ دقیقاً ۱۰ گل. چه یارگیری اشتباه، چه تملل مدافعان، چه دروازه‌بانی که گاهی حواسش نیست، همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا پرسپولیس روی این صحنه‌ها به شدت ضربه‌پذیر باشد. گویی هر بار که توپ روی هوا می‌رود، یک صدای زنگ خطر در گوش هواداران بلند می‌شود.

ضربه‌های سر؛ تیغی که روی زخم کشیده می‌شود

از داستان ضربات سر، جایی است که همه چیز عجیب‌تر می‌شود. این فصل یک‌سوم گل‌هایی که

با شکست پرسپولیس در سوپر جام، تیغ انتقادات متوجه مدیریت شد



دیگری از بعد فنی هم شاید به همراه داشته باشد.

به هر حال درویش از این منظر مقصر اصلی است و شاید اگر صداقت بیشتری

در پاسخگویی به افکار عمومی به خرج می‌داد، هم شرایط برای خودش رو به راه‌تر بود و هم روند تصمیم‌گیری آسان‌تر. از یاد نبریم که در این مقوله، مشکل مالی محلی از اعراب ندارد، چرا که مدیریت پرسپولیس بارها آشکارا به نداشتن محدودیت از این بابت اذعان کرده است، پس باید بیشتر روی ناکارآمدی یا ناتوانی مدیریت تمرکز کرد؛ آن مهمی که استقلال و پرسپولیس را به روزی دچار کرده که صعود از بازی‌های گروهی ایک نخبگان آسیا، آرزو و توفیق‌شان شده است!

باشگاه بود کنایه‌ای به توجیحات مدیرعامل پرسپولیس مبنی بر «ایران‌گریزی» سرمربیان خارجی موردنظر وی زد و دلیل یا توجیحات درویش را قابل قبول ندانست. در حالی که سپاهان یک سرمربی فرانسوی را که با تیم سابقش نیز قرارداد داشته و استقلال هم سرمربی و ۲ بازیکن خارجی را در همین چند وقت اخیر استخدام می‌کنند، ایران‌گریزی گزینه‌های مدنظر پرسپولیس چندان منطقی و متین نمی‌نماید و باید علت اصلی را در جای دیگری جست‌وجو کرد که شخص درویش و کميته فنی این باشگاه، بهتر می‌توانند بدان پاسخ دهند، البته اگر عزمی بر شفاف‌سازی وجود داشته باشد!

پرسپولیس نیز بسان استقلال فرصت نیم‌فصل را به راحتی از دست داد البته هر یک به طریقی اما قرمزپوشان از حیث عدم انتخاب سرمربی جدید خود، ضرر بیشتری کرده‌اند. بر فرض که انتخاب سرمربی جدید قرمزپوشان همین امروز رخ دهد، تا وی بخواهد با نفرت و شرایط تیم و فوتبال ایران آشنا شود و تفکرانش را در تیم جا بیندازد، زمان دیگری نیز از دست خواهد رفت؛ علاوه بر اینکه، عوارض

محمد رضا آزادی جدیدترین خرید استقلال

بازگشت به خانه

جذب نفرت جدید ندارند، سراغ آزادی رفت تا با یک ایرانی با کیفیت خط حمله‌اش را تقویت کند. مذاکرات با باشگاه العربیه و خود بازیکن به نتیجه رسیده و حالا فقط امضای قرارداد مانده تا آزادی رسماً دوباره پیراهن آبی استقلال را بر تن کند.

این بازگشت برای آزادی حکم یک ماموریت جدید را دارد. او که حالا باتجربه‌تر و پخته‌تر از قبل است، باید نه فقط برای خودش، بلکه برای اثبات انتخاب استقلالی‌ها تلاش کند. پیش‌سو موسی‌مانه، سرمربی استقلال که می‌خواهد با چیدمانی جدید تیمش را روانه میدان کند، از این مهاجم جوان انتظار دارد خط حمله تیم را پرقدرت‌تر کند. حالا با حضور آزادی، مسعود جمعه و جوقل کوجو، استقلال در خط حمله ترکیبی متنوع و غیرقابل پیش‌بینی خواهد داشت. آزادی به استقلال برکت است اما این بار همه چیز فرق می‌کند، او حالان‌ه یک بازیکن بی‌تجربه، بلکه مهاجمی است که اقت و خیزهای فوتبال را دیده و در پی جبران فرصت‌های از دست‌رفته است. این بازگشت، برای آزادی

نقش تعیین‌کننده در جام حذفی مقابل پرسپولیس که آلومینیوم را تا فینال رساند. همین نمایش‌ها کافی بود تا سیدمهدی رحمتی که فصل بعدش روی نیمکت نساجی نشسته بود، او را هم از اراک با خودش به قلمشهر ببرد. آزادی در نساجی از یک مهره معمولی به یک ستاره تبدیل شد. با ۱۲ گل، از جمله ۴ گل در لیگ قهرمانان آسیا، او یکی از بهترین فصل‌های دوران فوتبالش را تجربه کرد. موفقیت آزادی در نساجی اما پایانی بر ماندنش در فوتبال ایران بود. باشگاه العربیه امارات، تحت تاثیر عملکرد او، دست به کار شد و مهاجم ایرانی را به خدمت گرفت اما روزهای او در امارات آن چیزی نشد که تصورش را می‌کرد. تیم العربیه که بیشتر شبیه یک کاروان شکست‌خورده بود، از ۱۲ بازی تنها یک پیروزی داشت کرد. آزادی، با وجود تمام تلاش، فقط ۳ گل زد که البته یکی از آنها همان تنها برد را رقم زد. در نهایت، این نیم‌فصل کوتاه و پر از ناکامی برای آزادی تمام شد.

حالا آزادی، بعد از چند فصل دوری، دوباره به استقلال برگشته است؛ جایی که شاید این بار بتواند حق خودش را از فوتبال ایران بگیرد. استقلال که به دنبال تقویت خط حمله‌اش است و گزینه‌های خارجی‌اش هم جایی برای

دوره‌ای آنسوفاتی [اسپورت]



لالیگاداغ می‌شود [ملارکا]



با این لوگو بازی نمی‌کنیم [اس اس]



شو ۲۰۲۴ مکررون مثل ۲۰۲۰

یادداشت

ادامه از صفحه اول

از سویی این مدل سفر مکررون با انتقاد برخی رسانه‌های لبنان هم همراه بوده است. روزنامه الاخبار در گزارشی نوشت: «مکررون هیچ‌وقت از خودنمایی خسته نمی‌شود، چه آن روزی که بعد از انفجار به بیروت آمد و آستینش را بالا زد ولی کاری برای لبنانی‌ها نکرد، چه اکنون که دوباره سر و کلاهش پیدا شده است.» البته این عادت مکررون است. هر زمان که مکررون از بیروت بازدید می‌کند، دوست دارد مدتی را در محله الجیمیزه بگذراند، جایی که از زمان انفجار بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ به آنجا رفته است و دوست دارد کسی را ببیند که به زبان فرانسوی و با لهجه پارسی صحبت می‌کند؛ البته تاکنون نماند این سفر مکررون از آن رو برای وی اهمیت دارد که درصد است نشان دهد در متن مذاکرات و آتش‌بس لبنان و تشکیل دولت بوده، به‌رغم اینکه همه می‌دانند او به عنوان بازیکن ذخیره آمریکا در زمین لبنان بازی می‌کند و نقش اول از آن واشگفتن است.